

نگاه‌خانه

موزه و معاصریت

به بهانه اهدا و نمایش آثار بهرام دبیری در موزه هنرهای معاصر تهران



جاویدرمضانی

آگوستین، فیلسوف الجزایری قرون وسطی، پس از ارسطو و افلاطون نخستین متفکری بود که پس از هفت قرن پرسشی از چیستی زمان مطرح کرد. زمان تا آن روز مفهوم بیرونی بود. او زمان را به زیستن انسان گره زد و فرضیه زمان درونی را ارائه داد. برجستگی و نقطه تمایز این متفکر در زیست پرتکاپوی او بود و تجربه زیسته شخصی مبنای اعتقادات او شد.

زمان، تاراج‌دهنده دستاوردها و داشته‌های انسان است؛ آن‌گونه که نخستین داستان ثبت‌شده بشری گیل‌گمش است. در این داستان، پهلوانی به دنبال جاودانگی می‌رود. این رفتن در پس از دست دادن دوستی است که نبود او را تاب نمی‌آورد. گذشته و آینده همیشه مخل بودن در زمان حال است و زمان حال، مفهوم اکنون و کنشدن گذشت زمان است. از پس دوران خردورزی نبرد انسان با طبیعت ابعدی تازه به خود گرفت. انسان‌هایی جهان‌وطن پدیدار شدند که در نبرد با زمان، در پس فهم گذشته مفهوم تاریخ را مطرح کردند. این کنجکاوی شناخت تمدن‌های کهن در قرن هفدهم باعث شکل‌گیری نخستین موزه‌ها شد و این نهادها گویا برای در اکنون زیستنش گسترش یافتند و از این رو، می‌توان درک کرد که جهان امروز تا کجا به این نهاد اهمیت می‌دهد. جوامع بدون وجود موزه‌ها به دوران مدرن وارد نمی‌شوند و گویا شناسنامه هویت هر ملت در موزه‌ها تولید می‌شود.

ما شاهد ارائه نمایشی برای بررسی دستاوردهای نقاش معاصر، بهرام دبیری در موزه هنرهای معاصر هستیم. این رخداد به بهانه اهدای مجموعه آثار هنرمند به گنجینه شکل گرفته است.

بهرام دبیری نقاش مطرحی است؛ چراکه در دهه ۴۰ کار خود را آغاز کرد و قبل از ورود به دانشگاه در سال ۴۹ به نمایش گذاشت. او متولد ۱۳۲۹ است و در این سال‌ها در آستانه دهه هشتم زیستنش بی‌وقفه به خلق آثار و تطور در حوزه تصویر پرداخته است. دهه ۴۰ سال‌های نمود هنر مدرن در ادبیات و هنرهای پلاستیک است. او معاشر و شاگرد بزرگانی همچون هانیبال الخاص و بهمن محضی است. این تعلق و پیوستگی نمود شکل‌گیری و پذیرش هنر مدرن در اذهان جمعی ایرانیان است. این دوران پرتنش در تاریخ سیاسی و اجتماعی و نمود تجدد در ارزش‌های اجتماعی، تاریخی پرتب‌وتاب را به وجود آورده است.

امروزه تاریخ را کمتر در نوشته‌ها می‌جویند و آیندگان قضاوت خود را بر مبنایی همین دست ساخته‌ها پدیدار می‌کنند.

دبیری نقاشی است که شاکل‌های جهان‌وطن دارد. او در طول دوران کار حرفه‌ای خود از یک سو دغدغه فرم داشته و از سویی به هنر جهان نگریسته است. او معتقد به گفت‌وگو، تأثیر و تأثر در عرصه فرهنگ است. خود می‌گوید: «کلیشه‌ها نشان هیچ چیزی نیست، آن چنان که متأثربودن از هنر غرب نشانه هنرمند غربی بودن نیست».

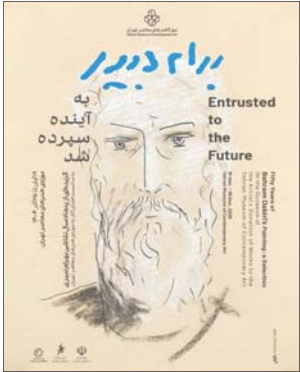
ایرانیان در هنر خود همیشه در حال گفت‌وگو با جهان بودند، آن چنان که در تخت‌جمشید ما ردپای بابلیان، مصریان و... را می‌بینیم. اما آنچه تمایز هنر ایرانی است، توان تولید و ادغام فلزات مختلف برای ساختن آلیاژی نو و درخشان است. مگر محضی از هنری مور و پیکاسو تأثر نگرفت، ولی ایرانیات در آثارش موج می‌زند. یا اسفندیاری و جوادی‌پور امپرسیونیستی کار نکرده‌اند، اما کیست که مناظر ایرانی را در کارشان تشخیص ندهد. تمدن ایرانی در این گفت‌وگوهای فرهنگی مهاجمان بسیاری را در خود حل کرده و این چنین یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌ها را پایه گذاشته است. دبیری به‌خوبی از نشانه و زبان سود می‌جوید و والاترین نقطه شاعرانگی در تصویر را به نمایش می‌گذارد. ادبیات و زبان هر دو نقطه درخشان تمدن ماست و رازورزی ادیبانه را می‌توان در منتهای نگاه دبیری درک کرد.

دبیری طی گذشت سال‌ها به زبان شخصی دست یافته که خود را فارغ از سبک‌ها و اکنون و دیروز می‌گرداند. او در حل مسئله بیان بومی و جهانی راه‌های بی‌شماری را گشوده که نقاشان امروز از آن ثمر برده‌اند. در زمان حال که عرصه انقلاب نفووماتیک به مرحله جدیدی پای گذارده، موقعیت هویتی ملت‌ها دچار بحران شده است و مشکل جهان توسعه‌نیافته سرگردانی در عرصه فرهنگ است. اینجاست که نقاشان نقش خود را نشان می‌دهند.

در فرهنگ قدیم ارج‌نهادن به طبیعت یک ارزش بود و قدما در پی دگرگون‌کردن جهان نبودند. این دگرگون‌کردن برای زیست بهتر انسان‌ها حاصل تجدد بود، اما این دگرگونی دنیای مدرن خود دچار مشکلاتی شد که جهان بسامدنر شکل گرفت و صحبت از توجه به خرده‌فرهنگ‌ها آغاز شد بشر برای راه جستن به آینده تمامی روش‌ها را مورد عمل قرار داد. اینجاست که موزه‌های معاصر نقش مهمی در گفت‌وگو با جهان را دارند.

ظرفیت‌های زبانی تمدن‌های قدیمی امکان شکل‌دادن این گفت‌وگو را دارند موزه‌های گذشته در پی تدوین اوربانتالیسم بودند. اما امروز ما باید درک تمدن گذشته خود را به همراه درک تاریخ اکنون جهان شکل دهیم. درک گذشته متضمن بهبود و ایجاد فناوری برای زیستن بهتر نخواهد بود. امروزه موزه‌های معاصر مرکزی برای گفت‌وگو و سنگری برای تجلی زبان جدید در برابر زبان قدیم هستند و توجه به زیستن بهتر مردمان افقی نو در خواستگاه موزه‌داری است.

نمایش‌ها و انجام مراسم سنتی و نگهداری آثار چه ثمری دارد؛ زمانی که این ماده خام به محصولی بدل و به اذهان عمومی منتقل نمی‌شود تا راهکاری برای زیستن امروزمان شوند.



فرح ابوالقاسم (متولد ۱۳۳۹، تهران) از هنرمندان شاخص نسل میانی نقاشی ایران است. او پس از پایان تحصیلات

متوسطه در رشته علوم تجربی، مسیر خود را به سوی هنر تغییر داد و در سال ۱۳۶۷ کارشناسی نقاشی را از دانشگاه الزهرا دریافت کرد. فرح ابوالقاسم فعالیت حرفه‌ای‌اش را از اواخر دهه ۶۰ آغاز و نخستین نمایشگاه گروهی‌اش را در گالری سیحون برگزار کرد. از آن زمان تاکنون آثارش در نمایشگاه‌های متعدد داخلی و بین‌المللی در کشورهای فرانسه، سوئیس، هلند، بلژیک، آمریکا و امارات به نمایش درآمده و جوایز و تقدیرهای مختلفی از جمله جایزه نغراول از شهرداری پاریس (۲۰۰۲) را کسب کرده است. نقاشی‌های او با زتاب گاهی آرام، درون‌گرایانه و

🔴 **شما از جمله هنرمندانی هستید که در نقاشی به سبک و لحن ویژه خودتان دست پیدا کرده‌اید؛ این مجموعه از کجا آغاز شد؟**

من کارم را با نقاشی در سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی آغاز کردم، اما از همان ابتدا آثارم به آبستره نزدیک بود. فضای نقاشی‌هایم همیشه ذهنی بوده و از نخستین مجموعه‌ای که در گالری سیحون ارائه کردم تا امروز، هیچ‌وقت با مدل کار نکرده‌ام.

به مرور زمان، عناصر طبیعی و آنچه معمولاً به عنوان عناصر فیکوراتیو شناخته می‌شوند، در آثارم کوچک‌تر شدند و گاهی در رنگ، خط و زمینه حل و محو شدند؛ تا جایی‌که آنچه در نگاه نخست به چشم می‌آمد، فضایی کاملاً انتزاعی با تقسیمات هندسی و فضایی ساختارگرایانه بود. در آن دوران، من مواد و مדיاهای گوناگونی را تجربه کردم و از خلا آنها به بافت‌های متنوع و شخصی‌دست پیدا کردم؛ بافت‌هایی که هنوز هم در آثار امروزم حضور پررنگتری دارند.

از حدود ۱۰ سال گذشته، عناصر پیرامونیم و ایزه‌های عینی، برگرفته از طبیعت و محیط اطرافم فضای بیشتری را در زندگی من و درنتیجه در آثارم اشغال کردند. این عناصر حالا در زندگی روزمره و در نقاشی‌هایم حضوری پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند. باین‌حال، ساختار کلی آثارم همچنان هندسی و ساختارگرایانه است و هنوز بر لبه فیکوراتیو و انتزاع حرکت می‌کنم.

🔴 **وقتی مخاطب وارد سالن می‌شود، به نظر می‌رسد نوعی سکوت و آرامش حاکم است؛ این حس از کجا می‌آید؟**

من هنرمند همیشه آنچه را که دلخواهش است در آثارش بازتاب می‌دهد. گاهی چیزی را نقاشی می‌کند که در زندگی‌اش حضور دارد و دوستش دارد و گاهی برعکس، آنچه را ندارد یا در جست‌وجوی آن است، بر بوم می‌آورد. گاهی هم هنرمند دست به آفرینش ایدئال‌های خودش می‌زند؛ جهانی که برای خودش و هم برای مخاطب.

🔴 **چه چیزی شما را به سمت خلق این جهان مینیمال و آرام سوق داد؟**

خستگی از این‌همه شلوغی، هیاهو و هجوم هرروزه اطلاعات، اولین دلیل بود. بعد از آن، تجربه و میل به سادگی برابم پررنگ شد؛ اینکه چطور می‌شود در میان این آشفتگی‌ها، به خلوت و وضوح رسید.

🔴 **اگر بخواهید به زبانی ساده برای مخاطب بگویید، این مجموعه درباره چیست؟**

درباره زندگی، چطور میان فرم‌های ساده و بیان احساسی تعادل برقرار می‌کنید؟ زیرا کارها در عین سادگی در انتقال احساس بسیار موفق عمل می‌کنند.

بیش از ۳۰ سال است نقاشی می‌کنم و در تمام این

سال‌ها، نقاشی حرفه اصلی و مسیر زندگی‌ام بوده است. از

نوجوانی با ادبیات سروکار داشتم، اما کم‌کم بیان احساسم از واژه عبور کرد و در قالب رنگ و فرم ادامه پیدا کرد. این

تغییر زبان، حاصل سال‌ها تجربه و استمرار در کارم بوده؛ چه در دوره‌های سخت و چه در زمان‌های آرام‌تر. درواقع، شعرهایی که زمانی دغدغه نوجوانی و جوانی‌ام بودند، در

گذر زمان به نقاشی تبدیل شدند و امروز در تابلوهایم به شکل دیگری نفس می‌کشند.

🔴 **درباره اهمیت ادبیات در آثارتان صحبت کردید. این ادبیات و شعر چگونه در شما شکل گرفت و به مسیر هنری امروز شما کمک کرد؟**

من از کودکی با کتاب انس داشتم؛ کتاب همیشه دوست

جدایی‌ناپذیرم بوده و هست. شعر هم همین‌طور. از حدود

۱۵،۱۴سالگی با شاعران مدرن ایران آشنا شدم و ارتباط‌گرفتن

با شعر آنها برابم بسیار آسان‌تر بود تا شعرهای کلاسیک؛

چون به زبانی ساده‌تر و نزدیک‌تر با من گفت‌وگو می‌کردند. از

همان زمان، واژه‌ها درونم مثل چشمه‌ای شروع به جوشیدن

کردند و من نیز دست به نوشتن و سرودن زدم. هنوز هم

مجموعه‌شعرهایم را با تاریخ نگارش‌شان پیش خودم نگه

داشته‌ام.

بعد از فارغ‌التحصیلی با مجلاتی مثل آدینه و دنیای سخن همکاری کردم و بعدها چند سال در مجله گردون نوشتم؛ همکاری‌ای که باعث آشنایی و دوستی من با آقای عباس معروفی و تیم‌شان شد. بعد از آن مدتی با مجله زنان و سپس به طور طولانی با فصلنامه طاووس



گفت‌وگو با فرح ابوالقاسم به بهانه نمایشگاه انفرادی او در گالری هور

هیچ بودنی بدون نبودن معنا پیدا نمی‌کند

ترانه‌سلطانی

شاعرانه به زیست روزمراند. طبیعت بی‌جان و اشیای ساده در آتارِش بهانه‌ای برای تأمل در سکوت و خلوت زندگی هستند. فرح ابوالقاسم با پالت رنگی محدود، اغلب درخشان و سفید، جهانی خلق می‌کند که میان واقعیت و تخیل معلق است. در سال‌های فعالیتش، علاوه بر خلق اثر، به تدریس در دانشگاه آزاد و دانشکده سینما و تئاتر نیز پرداخته و عضو انجمن نقاشان ایران و چند نهاد بین‌المللی هنری است. آثار او در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌هایی همچون موزه هنرهای معاصر تهران و مجموعه وینیزو و نیوتون انگلستان نگهداری می‌شود. به بهانه نمایشگاه انفرادی او در گالری هور، گفت‌وگوی کوتاهی با هنرمند داشتیم.

همکاری داشتم. در واقع پیوند من با ادبیات از همین مسیر شکل گرفت.

شاید ریشه آن شاعرانگی که گاهی در نقاشی‌هایم دیده می‌شود، از همان‌جا آمده باشد. آن شعرها و واژه‌ها در گذر زمان تبدیل به عناصر بصری شدند. نمی‌توانم بگویم شاعر هستم، اما تغزلی در آثارم وجود دارد که از شعر و ادبیات می‌آید. هنوز هم می‌نویسم، اما دیگر شعر نمی‌گویم؛ هرچند آن نوشته‌ها هیچ‌وقت منتشر نشدند. در هر حال، قلم هنوز از دست من نیفتاده است.

🔴 **فرمودید شغل اصلی شما نقاشی است. نقاش بودن روی زندگی روزمره شما تأثیری گذاشته است؟ زیست از راه نقاشی چگونه است؟**

بله، شغل اصلی من همیشه نقاشی بوده است. البته گاهی در کنار آن، به کارهای خلاقانه و بازیگوشانه‌ای پرداختم که برابم جذاب بودند و در عین حال منبع درآمدی هم محسوب می‌شدند، اما امروز دیگر تمایلی ندارم جز نقاشی کار دیگری انجام دهم و درواقع نیازی هم نمی‌بینم. باین‌حال، هفته‌ای یک بار چند هنرجو به آتلیه‌ام می‌آیند؛ با هم گفت‌وگو و کار می‌کنیم و من این ارتباط را بسیار دوست دارم.

زیست از راه نقاشی همیشه و در همه جا دشوار بوده است. آنچه مهم است، استمرار و صبر است. نه انتظار نتیجه سریع، من امروز به تعادلی نسبی در درآمد رسیده‌ام که به من امکان می‌دهد آثارم را و با تمرکز بیشتری کار کنم. به باور من، وقتی نقاشی شغل تمام‌وقت هنرمند باشد، تأثیر مستقیمی بر کیفیت و رشد آثارش دارد. تمرکز کامل بر کار باعث انسجام فکری و تداوم در مسیر می‌شود، درحالی‌که اشتغال با کارهای دیگر، به‌ویژه دور از فضای هنر، این تمرکز را از بین می‌برد. به همین دلیل، بهترین حالت برای یک هنرمند این است که از نظر مالی تا حد ممکن درگیر مشاغل جانبی نباشد تا بتواند مسیر هنری خود را با تمرکز و ثبات دنبال کند.

🔴 **در برخی آثار، فضا به قدری خالص است که انگار نبودن از بودن مهم‌تر می‌شود. آیا این به یک نوع تفکر فلسفی بازمی‌گردد؟**

برای من، همیشه بودن و نبودن دو سر یک خط هستند؛ هیچ بودنی بدون نبودن معنا پیدا نمی‌کند. این حقیقت هم چیز است.

🔴 **پالت رنگی محدود و نرم مجموعه حس، آرامش و تأمل را منتقل می‌کند. انتخاب رنگ‌ها بر چه مبنایی است؟**

معمولاً هر هنرمند پالت رنگی خاص خودش را دارد؛ پالت رنگی درواقع به نوعی امضای اوست. انتخاب این رنگ‌ها نه‌تنها بازتابی از گرایش‌های درونی، روحی و روانی هنرمند است، بلکه به نوعی ساماندهی انرژی‌ها و واکنش‌های رنگ‌ها در سطح بوم یا کاغذ هم محسوب می‌شود.

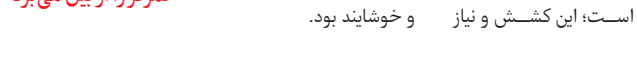
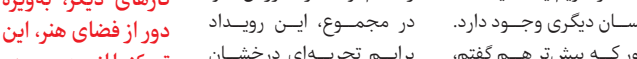
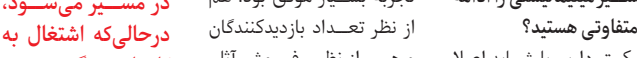
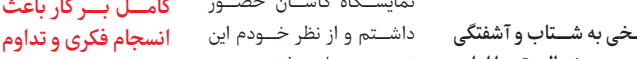
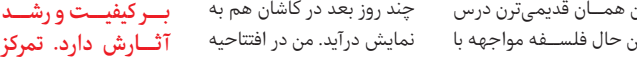
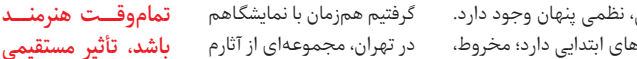
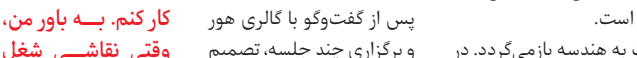
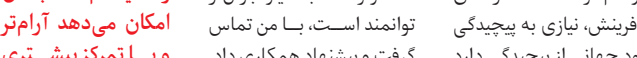
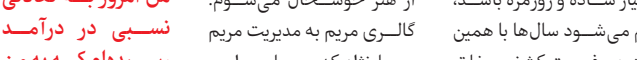
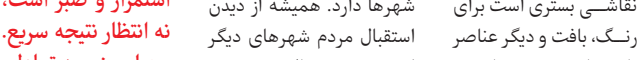
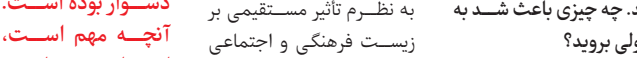
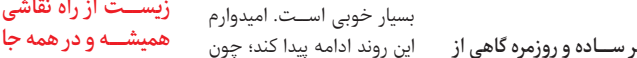
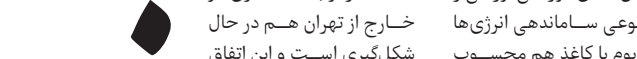
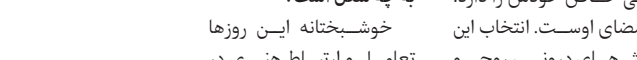
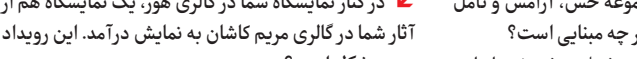
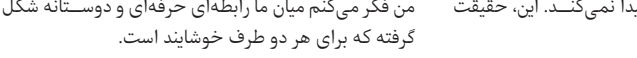
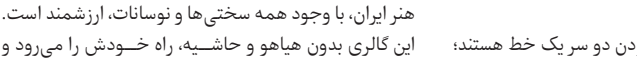
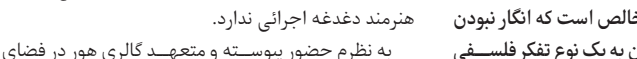
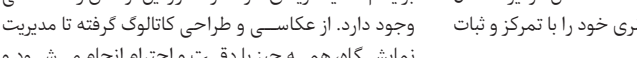
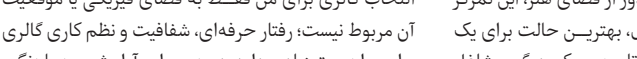
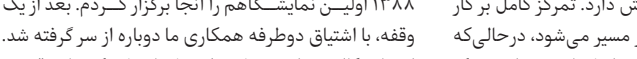
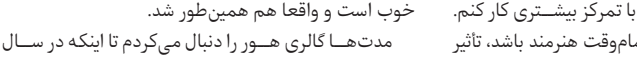
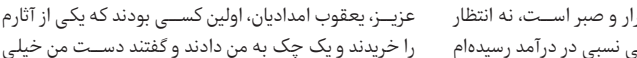
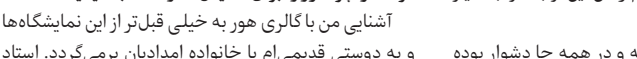
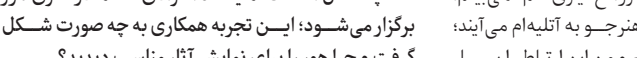
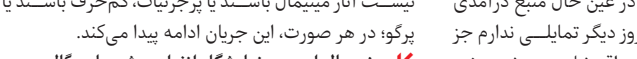
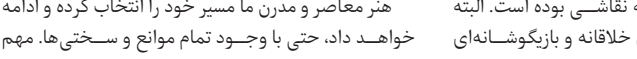
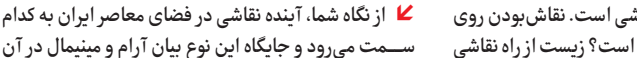
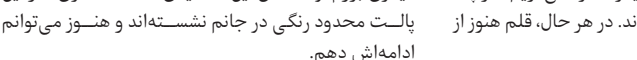
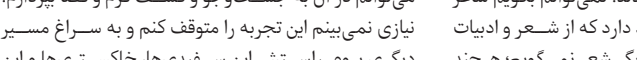
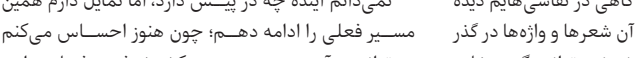
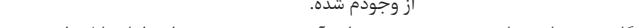
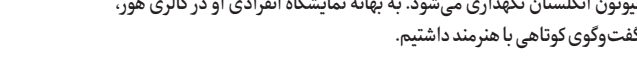
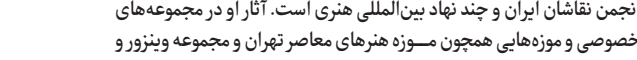
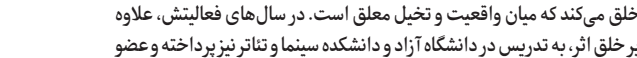
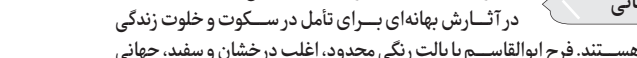
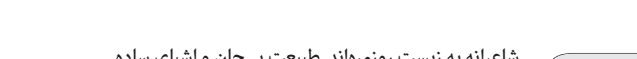
🔴 **در آثار این مجموعه، عناصر ساده و روزمره گاهی از دل طبیعت بی‌جان بیرون می‌آیند. چه چیزی باعث شد به سمت این موضوعات ظاهراً معمولی بروید؟**

برای من موضوع یا سوژه در نقاشی بستری است برای رسیدن به هماهنگی میان فرم، رنگ، بافت و دیگر عناصر تجسمی. موضوع می‌تواند بسیار ساده و روزمره باشد، حتی چیزی پیش‌یافتاده. به نظرم می‌شود سال‌ها با همین عناصر ساده زیست و کار کرد و باز هم فرصت کشف و خلق فضاهای تازه را پیدا کرد. برای آفرینش، نیازی به پیچیدگی نیست؛ هر شی‌ی ساده در درون خود جهانی از پیچیدگی دارد و در عین حال، بی‌واسطه و ساده است.

به باور من، همه چیز در نهایت به هندسه بازمی‌گردد. در ظاهر منظم یا حتی در آشفتگی، نظمی پنهان وجود دارد. هر فرمی ریشه در ترکیب شکل‌های ابتدایی دارد؛ مخروط، کره، مکعب، استوانه و مربع. این همان قدیمی‌ترین درس هر کلاس طراحی است و در عین حال فلسفه مواجهه با اشیا است.

🔴 **می‌توان این مجموعه را پاسخی به شتاب و آشفتگی جهان بیرون دانست؟ آیا این مسیر مینیمالیستی را ادامه می‌دهید یا در جست‌وجوی زبان متفاوتی هستید؟**

نیاز به داشتن چیزهایی که کمتر داریم یا شاید اصلاً نداریم، در من هم مثل هر انسان دیگری وجود دارد. فضای ایدئال من، همان‌طور که پیش‌تر هم گفتم، فضایی آرام در کنار طبیعت است؛ این کشش و نیاز



نگارخانه

آرت فر ابوظبی ۲۰۲۵ در راه است

نمایشگاه هنر ابوظبی (Abu Dhabi Art)، یکی از مهم‌ترین رویداد‌های هنری منطقه و نقطه‌عطفی در تقویم فرهنگی خاورمیانه، از ۱۹ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵ یعنی ۲۸ آبان تا ۲ آذرماه در منارت السعديات برگزار می‌شود. این رویداد که به همت دیارت‌مان فرهنگ و گردشگری ابوظبی سازمان‌دهی شده، از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۰۷ تا

امروز، نقشی اساسی در معرفی هنر مدرن و معاصر از سراسر جهان ایفا کرده است. فراتر از یک نمایشگاه فروش آثار هنری، هنر ابوظبی بستری پویا برای گفت‌وگو و تعامل میان هنرمندان، گالری‌ها، منتقدان و دوستداران هنر فراهم می‌کند. برنامه گسترده این رویداد شامل نمایشگاه‌ها و چیدمان‌های هنری، پروژه‌های سایت‌اسپسیفیک، نشست‌های تخصصی، اجراهای زنده و برنامه‌های عمومی در سراسر سال است که اوج آن در ماه نوامبر، در قالب نمایشگاه اصلی به وقوع می‌پیوندد. هنر ابوظبی با تمرکز بر گسترش مرزهای تجربه هنری، هم‌زمان فضایی برای مبادله فرهنگی و تجاری فراهم می‌آورد. در این رویداد، گالری‌های برجسته بین‌المللی و هنرمندان نوظهور در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا مخاطبان جهانی را با تازه‌ترین گرایش‌ها و جریان‌های هنر معاصر آشنا کنند. هر سال، این نمایشگاه نه‌تنها به تقویت جایگاه ابوظبی به عنوان مرکز فرهنگی منطقه کمک می‌کند، بلکه گفت‌وگویی میان سنت و نوآوری، شرق و غرب و گذشته و آینده را به تصویر می‌کشد.

نمایشگاه‌دهندگان

هر سال، نمایشگاه‌دهندگان شرکت‌کننده توسط کمیته‌ای داخلی در دیارت‌مان فرهنگ و گردشگری ابوظبی انتخاب می‌شوند، بر اساس پیشنهادهایی که از طریق وب‌سایت Abu Dhabi Art ارسال شده است. برخی از نمایشگاه‌دهندگان نیز مستقیماً توسط کمیونتهای مهمان برای حضور در بخش‌های ویژه دعوت می‌شوند.

بخش‌ها: مدرن و معاصر

(Modern & Contemporary)

گالری‌های مدرن و معاصر مجموعه‌ای گسترده از آثار هنرمندان مختلف را ارائه می‌دهند. شرکت برای گالری‌هایی امکان‌پذیر است که حداقل هفت سال فعالیت داشته باشند و غرفه‌های آنها چارچوب‌های کیورتوری مشخص برای هر ارائه فراهم کند.

پروژه‌های ویژه (Special Projects)

نمایش انفرادی یا دو هنرمند توسط گالری‌ها، هم‌زمان با دیگر بخش‌ها یا به صورت مستقل. شرکت برای گالری‌هایی باز است که حداقل سه سال فعالیت داشته باشند.

Emerge: آثاری که توسط گالری ارائه می‌شوند باید کمتر از ۳٬۰۰۰ دلار آمریکا قیمت داشته باشند.

Biday: گالری‌های نوپا که کمتر از سه سال فعالیت داشته‌اند، برای اولین بار برای حضور در نمایشگاه انتخاب می‌شوند.

Focus: گالری‌ها در این بخش با هنرمندانی خاص که توسط کیورتور مهمان انتخاب شده‌اند، دعوت به مشارکت می‌شوند. هر سال، هنر ابوظبی از کیورتورهای مهمان دعوت می‌کند تا در برنامه هنری مشارکت داشته باشند؛ برنامه‌ای شامل مجموعه‌ای از نمایشگاه‌ها، گفت‌وگوها و اجراهای هنری که دیدگاه‌های متنوعی درباره جریان‌های جهانی هنر ارائه می‌کنند. برنامه‌ای متشوع از رویدادها در طول سال برگزار می‌شود و در نهایت با نمایشگاه هنر مدرن و معاصر در نوامبر به اوج خود می‌رسد.

بازدید: نمایشگاه هنر ابوظبی هر سال در ماه نوامبر در منارت السعديات (Manarat Al Saadiyat) برگزار می‌شود. در این دوره از آرت‌فر ابوظبی بیش از ۱۴۰ گالری، بیش از ۶۰۰ آرتیست (هنرمند) و بیش از ۲۰۰۰ آرت‌ورک (اثر هنری) حضور خواهد داشت و برعکس اِیت‌فر در ایران، آرت‌فرهای بین‌المللی مثل آرت‌فر دوسنی و ابوظبی، فهرست گالری‌ها، هنرمندان را از چند ماه جلوتر و طبق ضوابط اطلاع‌رسانی‌شده، منتشر کرده و پروژه‌های خاص را معرفی می‌کنند.

منارت السعديات (MAS): منارت السعديات با برگزاری نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، اجراهای هنری و فضاهای استودیوی هنری باز به صحنه هنر ابوظبی کمک می‌کند. این مجموعه که میزبان نمایشگاه سالانه هنر ابوظبی است، شامل یک تراس رویدادهای فضایی بار، کافه و سراسری، سه گالری برای نمایشگاه‌های موقت، استودیوی عکاسی، استودیوی هنری و آمفی‌تئاتر ۵۰۰ نفره می‌شود.